

Party-civic activism in Iran: challenges and requirements from 1997 to 2023¹

Khalil Sardarnia¹, Jamil Ghoreyshi²

DOI: [10.48308/piaj.2025.236473.1564](https://doi.org/10.48308/piaj.2025.236473.1564) Received: 2024/8/1 Accepted: 2024/12/19

Original Article

Extended Abstract

Introduction: The 1979 Islamic Revolution established a new era for Iranian political parties, blending Islamic values with democratic principles. While party laws exist and numerous organizations have formed, these entities have not effectively contributed to political development or the ideals of Islamic democracy. This study examines the period from 1997 to 2023 to explore the reasons for this ineffectiveness within the Islamic Republic. The central question is: why, despite a legal framework and numerous parties, have they failed to secure their proper place or deliver expected outcomes within the Islamic democratic system? This research is significant because a systematic analysis of the obstacles facing political parties can pave the way for practical solutions to enhance their role in political development and the realization of Islamic democratic goals.

Methods: Data collection was carried out in two phases: library research and fieldwork. The fieldwork involved conducting semi-structured interviews with two groups: university professors and party-civic activists. This was supplemented by an extensive review of existing literature and the theoretical framework of the study. The semi-structured interview protocol consisted of fifteen open-ended questions, which formed the basis for open and axial coding and qualitative content analysis, facilitating the extraction of research categories

Results and Discussion: Expert analysis reveals deeply rooted structural challenges facing Iranian party and civil activism across four levels. These include: 1) Legal/Structural: limited party space due to biased interpretations, absent party laws, legal re-

1. Professor in Political Science, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, University of Shiraz, Shiraz, Iran (Corresponding author). kh_sardarnia@yahoo.com

2. PhD Candidate in Political Science, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, University of Shiraz, Shiraz, Iran. jamil.ghoreyshi@gmail.com



strictions, government limitations, a security-driven view of activism, limited electoral roles, restricted expression, and inefficient legal mechanisms. 2) Internal/Behavioral: weakened performance and declining public trust due to immaturity, insufficient social engagement, leader dependence, opportunism, rivalries, disregard for norms, lack of transparency/internal democracy, poor accountability/conflict management, contradictory actions, overreliance on slogans, weak cohesion, external dependence, and inadequate training. 3) Societal Communication: diminished legitimacy due to public disconnect, weakened social ties, neglected public opinion, failure to address societal issues/support protests, public distrust of parties/institutions, discrediting of elites, and ineffective networking. 4) Establishment Relations: a growing gap and lack of constructive interaction due to insufficient dialogue/institutionalized communication, party conservatism, closed electoral channels, suppression of independent institutions, and disregard for civil demands.

Conclusion: Overcoming challenges facing Iranian political parties and civil activism requires a comprehensive, multidimensional approach involving structural, legal, behavioral, and communicative reforms. This includes strengthening communication with the public and party members through continuous engagement, representing public demands, transparent operations, and establishing local branches. Enhancing transparency and accountability through legal obligations, internal mechanisms, transparent performance, and oversight is also crucial. Furthermore, removing legal and structural obstacles by eliminating restrictive laws, financially empowering parties, institutionalizing party politics, and ensuring media access is necessary. Shifting government attitudes by demonstrating political will, fostering dialogue, respecting diverse opinions, and amending constitutional provisions is also key. Additional recommendations include ending negative rivalries, providing political education, ensuring financial independence for parties, promoting ethical practices, and fulfilling election promises. This comprehensive approach aims to reform structures and laws, strengthen political and civil institutions, and foster positive changes in societal attitudes and political culture.

Keywords: Iran, Party pathology, Political development, Religious democracy, Party-civic activism.

Citation: Sardarnia, Khalil & Ghoreyshi, Jamil. 2024. Party-civic activism in Iran: challenges and requirements from 1997 to 2023, *Political and International Approaches*, Winter, Vol 16, No 4, PP 144-171.



کنشگری حزبی - مدنی در ایران: چالش‌ها و بایسته‌ها از ۱۳۷۶ تا ۱۴۰۲

خلیل اله سردارنیا^۱ و جمیل قریشی^۲

DOI: [10.48308/piaj.2025.236473.1564](https://doi.org/10.48308/piaj.2025.236473.1564)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۵/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۲۹

مقاله پژوهشی

چکیده مبسوط

مقدمه و اهداف: استقرار نظام مردم‌سالاری دینی پس از انقلاب ۱۳۵۷، فصلی نو در تاریخ تحزب ایران گشود و هویتی ویژه به آن بخشید. این نظام، با امتزاج ارزش‌های اسلامی و مبانی مردم‌سالاری، عرصه‌ای خاص برای فعالیت احزاب تعریف نمود. با این حال، علی‌رغم وجود قانون احزاب و تکثر احزاب سیاسی، این نهادها نتوانسته‌اند آنچنان که شایسته است در توسعه سیاسی و تحقق آرمان‌های مردم‌سالاری دینی نقش‌آفرینی کنند. این پژوهش، با تمرکز بر بازه زمانی ۱۳۷۶ تا ۱۴۰۲، به واکاوی عوامل مؤثر بر این ناکارآمدی در چارچوب نظام مردم‌سالاری دینی می‌پردازد. پرسش بنیادین پژوهش آن است که چرا احزاب سیاسی در ایران، با وجود بستر قانونی و شمار فراوانشان، نتوانسته‌اند جایگاه بایسته خود را در نظام مردم‌سالاری اسلامی باز یابند و ثمرات مورد انتظار را به بار آورند؟ ضرورت این پژوهش از آنجا نشأت می‌گیرد که بررسی موشکافانه و علمی موانع و چالش‌های فراروی احزاب، می‌تواند راهگشای ارائه راهکارهای عملی برای ارتقای نقش آنان در توسعه سیاسی و تحقق اهداف مردم‌سالاری دینی باشد.

روش‌ها: گردآوری داده‌ها در دو بخش کتابخانه‌ای و میدانی، با بهره‌گیری از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با دو گروه اساتید دانشگاه و کنشگران حزبی-مدنی و نیز مراجعه به ادبیات تحقیق و چارچوب نظری پژوهش صورت پذیرفت. پرسش‌های نیمه‌ساختاریافته، مشتمل بر پانزده پرسش باز، مبنای کدگذاری باز و محوری و تحلیل محتوای کیفی برای استخراج مقوله‌های تحقیق قرار گرفتند. بدین منظور، پس از گردآوری و تجمیع پاسخ‌ها، کدهای درون‌متن استخراج و دسته‌بندی شده و بر اساس آن‌ها، زیرمقوله‌ها و سپس مقوله‌های اصلی در قالب جداول جداگانه برای هر گروه طراحی گردید. در این فرایند، برای اجتناب از تکرار و حصول جامعیت، از رویکرد اشباع نظری داده استفاده شد.

۱. استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول). kh_sardar-

nia@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. jamil.ghoreyshi@

gmail.com



یافته‌ها: یافته‌های حاصل از بررسی دیدگاه متخصصان، چالش‌های کنشگری حزبی و مدنی در ایران را در چهار سطح اصلی دسته‌بندی می‌کند: ۱. آسیب‌های قانونی-ساختاری: محدودیت فضای فعالیت ناشی از تفسیرهای جانبدارانه قانون، فقدان قوانین جامع حزبی، موانع قانونی و محدودیت‌های حکومتی، نگاه امنیتی، نادیده‌انگاری نقش احزاب در انتخابات، تحدید آزادی بیان و ناکارآمدی سازوکارهای قانونی. ۲. آسیب‌های درون‌سازمانی-رفتاری: تضعیف عملکرد و کاهش اعتماد عمومی به دلیل عدم بلوغ و روحیه حزبی، ضعف ارتباط با جامعه، اتکای صرف به شخصیت‌های منفرد، منفعت‌محوری، رقابت‌های مخرب، قانون‌گریزی، فقدان شفافیت مالی و دموکراسی درون‌سازمانی، ضعف در پاسخگویی و مدیریت اختلافات، رفتارهای متناقض، شعارزدگی، عدم انسجام تشکیلاتی، وابستگی به دولت یا قدرت‌های خارجی و فقدان آموزش کافی اعضا. ۳. آسیب‌های ارتباط با جامعه: کاهش مشروعیت و مقبولیت ناشی از فاصله گرفتن از مردم، گسست با بدنه اجتماعی، بی‌توجهی به نظرات مردم، عدم ورود به حل مسائل، عدم همراهی با اعتراضات، بی‌اعتمادی به احزاب و نهادهای مدنی، بی‌اعتباری نخبگان و ضعف در شبکه‌سازی مؤثر. ۴. دیگر آسیب‌ها: تشدید شکاف و ممانعت از تعامل سازنده به دلیل عدم تلاش برای گفتگو و تعامل نهادینه، محافظه‌کاری احزاب، انسداد مسیر انتخابات، حذف نهادهای مدنی مستقل و بی‌توجهی حاکمیت به مطالبات مدنی.

نتیجه‌گیری: تحلیل راهکارهای پیشنهادی اساتید دانشگاه، پژوهشگران و کنشگران حزبی و مدنی نشان می‌دهد برون‌رفت از چالش‌های کنشگری حزبی و مدنی در ایران مستلزم رویکردی جامع و چندبعدی در ابعاد ساختاری، قانونی، رفتاری و ارتباطی است که حول محورهای تقویت ارتباط با جامعه و اعضا (از طریق تعهد به ارتباط مستمر، نمایندگی خواسته‌های عمومی، شفافیت عملکرد و ایجاد شعبات حزبی)، افزایش شفافیت و پاسخگویی (از طریق الزام قانونی، سازوکارهای درون‌سازمانی، شفافیت در عملکرد و ایجاد فرآیندهای نظارتی)، رفع موانع قانونی و ساختاری (از طریق رفع محدودیت‌های قانونی، تقویت مالی احزاب، نهادینه‌سازی تحزب‌گرایی و دسترسی به رسانه‌ها)، تغییر نگرش حاکمیت و ترویج فرهنگ تحزب و دموکراسی (از طریق اراده سیاسی، تعامل با احزاب، تمکین از تضارب آرا و اصلاح قانون اساسی) و سایر موارد (شامل کنار گذاشتن رقابت‌های منفی، آموزش دانش سیاسی، اخلاق‌محوری و تحقق وعده‌های انتخاباتی) متمرکز است. این رویکرد جامع، اصلاح ساختارها و قوانین، تقویت احزاب و نهادهای مدنی و تغییر نگرش‌ها و فرهنگ سیاسی جامعه را هدف قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: ایران، آسیب‌شناسی حزبی، توسعه سیاسی، مردم‌سالاری دینی، کنشگری حزبی-مدنی.

استناددهی: سردارنیا، خلیل‌اله و قریشی، جمیل. ۱۴۰۳. کنشگری حزبی-مدنی در ایران: چالش‌ها و بایسته‌ها از ۱۳۷۶ تا ۱۴۰۲، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، زمستان، سال ۱۶، شماره ۴، ۱۷۱-۱۴۴.

۱. مقدمه

تاریخ تحزب در ایران، با قدمتی بالغ بر یک قرن، مسیری پرفراز و نشیب را پیموده است. اگرچه مورس دوورژه (۱۳۸۶) بر این باور بود که تا پیش از سال ۱۸۵۰ میلادی، به استثنای ایالات متحده آمریکا، هیچ کشوری واجد حزب سیاسی به معنای نوین کلمه نبود، با این حال، شواهد تاریخی گویای آن است که نشانه‌هایی از فعالیت‌های حزبی در ایران، حتی پیش از انقلاب مشروطه و از اوایل قرن بیستم میلادی، قابل مشاهده بوده است. شکل‌گیری انجمن‌های متعدد با اهداف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در این دوره، مؤید وجود بستری مستعد برای فعالیت‌های حزبی در جامعه ایران بود. این انجمن‌ها، که متأثر از سفرهای ایرانیان به اروپا شکل گرفته بودند، به کانون‌هایی برای بحث و تبادل نظر پیرامون مسائل روز مبدل گشته و زمینه را برای ظهور و تکوین احزاب سیاسی در دوران مشروطه فراهم آوردند (زیباکلام و مقتدایی، ۱۳۹۹: ۱۴). انقلاب مشروطه در سال ۱۲۸۵ شمسی، نقطه عطفی در تاریخ سیاسی ایران محسوب می‌گردد و با طرح مفاهیمی بنیادین همچون حاکمیت ملی و قانون‌گرایی، ساختار سیاسی سنتی کشور را دستخوش تحولی بنیادین ساخت. برای نخستین بار، اندیشه حاکمیت مردم به جای حاکمیت مطلقه پادشاه مطرح گردید و مفهوم سلطنت به عنوان امانتی الهی که از سوی ملت به شاه تفویض شده بود، تعریف گردید. این تغییر نگرش، زمینه را برای شکل‌گیری احزاب سیاسی و فعالیت‌های سازمان‌یافته سیاسی مهیا ساخت.

تلاش برای مشارکت و سازماندهی سیاسی در قرن چهاردهم شمسی، با ظهور تحولات عمیق فکری و اجتماعی و مواجهه با چالش‌های بنیادین، مسیری پرفراز و نشیب را پیمود. در این سده، جامعه ایران شاهد دگرگونی‌های ژرف در عرصه‌های اندیشه، سیاست و اجتماع بود. ظهور ایدئولوژی‌های نوین، شکل‌گیری رویکردهای نظری گوناگون، پیدایش جنبش‌های اجتماعی و سیاسی متنوع، و بروز پویای فکری و عملی، تأثیری شگرف بر فضای سیاسی کشور نهاد. در این میان، تعارضات میان جریان‌ها و جهان‌بینی‌های مختلف، در بستری از شکاف‌های نوظهور همچون تقابل سنت و تجدد، بومی‌گرایی و برون‌گرایی، دین‌گرایی و سکولاریسم، به تشدید چالش‌ها انجامید. همزمان با این تحولات، مباحثات و مناظرات گسترده‌ای در محافل علمی، میان نخبگان و حتی در سطوح حکومتی، پیرامون توسعه سیاسی و دموکراسی در ایران شکل گرفت.

با این وجود، غلبه تعلقات و سوگیری‌های متعصبانه سیاسی، جناحی و ایدئولوژیک، مانع از شکل‌گیری اجماع نظری نسبی گردید و این مباحثات همواره در حول دوگانه‌هایی چون سنت/مدرنیته، مشروطه/مشروع، دموکراسی دینی/دموکراسی لیبرال، و نظایر آن، در نوسان بود. در این دوره، جامعه ایران پیوسته میان انسداد سیاسی از یک سو و نوعی دموکراسی و توسعه سیاسی ناکامل، پراکنده و واگرا در ساحت‌های فکری-نظری و رفتارهای سیاسی، در قالب رادیکالیسم و بازی‌های با حاصل جمع صفر، از سوی دیگر، در نوسان بود و به تعادل پایداری دست نیافت. به تعبیر کاتوزیان، جامعه ایران همواره میان استبداد مطلق و هرج و مرج در حرکت بود. این مطلق‌گرایی جناحی و عدم انعطاف‌پذیری در مواجهه با این دوگانه‌ها و تلاش برای تلفیق آنها (مانند تلفیق دین و دموکراسی)، به شکل‌گیری بن‌بست‌ها و چالش‌های جدی برای توسعه سیاسی و جهت‌گیری نظری-فکری و رفتاری جامعه و حکومت در سده چهاردهم انجامید.

با این وجود، این تلاش‌ها برای یافتن مسیری متعادل میان سنت و مدرنیته، دین و دموکراسی، در دوران پس از انقلاب اسلامی، با ظهور شکلی نوین از نظام سیاسی، یعنی مردم‌سالاری دینی، وارد مرحله‌ای دیگر شد که تأثیری شگرف بر ماهیت و کارکرد احزاب سیاسی در ایران بر جای گذاشت. به عبارتی تحولات سیاسی و اجتماعی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، ویژگی‌های منحصر به فردی را به نمایش گذاشته است. استقرار نظام مردم‌سالاری دینی، که تلفیقی از ارزش‌های اسلامی و اصول مردم‌سالاری است، ساختاری نوین در عرصه سیاسی و اجتماعی کشور ایجاد کرد. در این نظام، مشروعیت حکومت، ترکیبی از مشروعیت الهی و مشروعیت مردمی است؛ به این معنا که حاکمیت از آن خداوند است اما از طریق رأی و اراده مردم اعمال می‌شود.

این ویژگی بنیادین، تأثیری عمیق بر ماهیت و کارکرد احزاب سیاسی در ایران گذاشته و آنها را از مدل‌های غربی متمایز ساخته است. این تمایز بنیادین در مبانی نظری، به طور طبیعی، تفاوت‌های چشمگیری را در ساختار، اهداف و عملکرد احزاب سیاسی در ایران و غرب رقم زده است. در نظام‌های دموکراتیک غربی، احزاب عمدتاً بر پایه رقابت برای کسب قدرت و اجرای برنامه‌های سکولار شکل می‌گیرند و دین اغلب به حوزه خصوصی افراد محدود می‌شود. در مقابل، در مردم‌سالاری دینی ایران، احزاب باید در چارچوب اصول و ارزش‌های اسلامی فعالیت کنند و اسلام نقشی محوری در عرصه سیاست و اجتماع ایفا می‌کند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان میثاق ملی، چارچوب کلی فعالیت‌های سیاسی را بر مبنای اصول و احکام اسلامی تعیین می‌کند. بنابراین، احزاب سیاسی در ایران نمی‌توانند برنامه‌ها و اهدافی مغایر با موازین اسلامی داشته باشند. این امر، اگرچه محدودیت‌هایی را برای فعالیت احزاب ایجاد می‌کند، اما در عین حال، موجب می‌شود که گفتمان سیاسی در ایران، رنگ و بوی دینی داشته باشد و ارزش‌های اسلامی به‌عنوان یک رکن اساسی در فرآیندهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری مورد توجه قرار گیرد. این تفاوت بنیادین، نه تنها بر ساختار و اهداف احزاب سیاسی در ایران تأثیر گذاشته، بلکه عملکرد آنها را نیز به شکلی متفاوت از احزاب غربی رقم زده است.

لذا انقلاب اسلامی، با گسست پارادایمی در پهنه سیاست و اجتماع ایران، نه تنها بستری نو برای ظهور و بروز طیف‌های گوناگون احزاب و گروه‌های سیاسی، با محوریت ارزش‌های الهی و خدمت به مردم گشود، بلکه در عین حال، الزامات و انتظارات جدیدی را برای این تشکله‌ها به وجود آورد؛ به گونه‌ای که هم در نحوه‌ی شکل‌گیری و اداره‌ی خود و هم در چگونگی ایفای نقش در جامعه، با چالش‌های نوینی روبرو شدند. با آغاز دوره اصلاحات در سال ۱۳۷۶، بحث در مورد جامعه مدنی، توسعه سیاسی، و نقش احزاب در ایران وارد مرحله جدیدی شد. در این دوره، با افزایش نسبی فضای باز سیاسی، شاهد ظهور کنشگران و نهادهای مدنی جدیدی بودیم که از طریق ابزارهایی مانند مطبوعات، رسانه‌های نوین، و دانشگاه‌ها به فعالیت می‌پرداختند. با این حال، علی‌رغم این تلاش‌ها، احزاب سیاسی در ایران با چالش‌های کنشگری و عملکردی متعددی مواجه بوده‌اند و نتوانسته‌اند به طور پایدار در ساختار سیاسی کشور جایگاه خود را تثبیت کنند. بررسی تاریخ حزب در ایران نشان می‌دهد که بسیاری از احزاب، پس از دوره‌های کوتاهی از فعالیت، دچار انحلال، ادغام، یا حاشیه‌نشینی شده‌اند. این امر، منجر به شکل‌گیری نوعی بی‌ثباتی و عدم انسجام در نظام حزبی کشور شده است.

این چالش‌های بنیادین در کارکرد احزاب، منجر به طرح پرسش‌های اساسی در خصوص چرایی عدم ایفای نقش مؤثر آنها در توسعه سیاسی و تحقق اهداف مردم‌سالاری دینی شده است. می‌توان گفت علی‌رغم وجود قانون احزاب و فعالیت صدها حزب سیاسی در ایران، این احزاب نتوانسته‌اند نقش مؤثری در توسعه سیاسی و تحقق اهداف مردم‌سالاری دینی ایفا کنند. این مسئله، پرسش‌های مهمی را در مورد چرایی عدم کارایی احزاب در ایران مطرح می‌کند. چرا با وجود بسترهای قانونی و تعداد زیاد احزاب، شاهد ضعف آنها در ایفای نقش واسط بین مردم و حکومت، شکل‌دهی به افکار عمومی، و مشارکت مؤثر در فرایندهای سیاسی هستیم. لذا این پژوهش، با تمرکز بر نظام مردم‌سالاری دینی در ایران و با در نظر گرفتن ویژگی‌های خاص آن، به بررسی عوامل مؤثر بر عدم کارایی احزاب سیاسی در کشور می‌پردازد.

این بررسی شامل تحلیل ساختار حقوقی و قانونی احزاب، بررسی عملکرد آنها در دوره‌های مختلف، و تحلیل عوامل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مؤثر بر فعالیت آنها خواهد بود. هدف اصلی این پژوهش، پاسخ به این پرسش اساسی است که چرا احزاب سیاسی در ایران، علی‌رغم وجود بستر قانونی و تعداد زیاد آنها، نتوانسته‌اند به جایگاه واقعی خود در نظام مردم‌سالاری اسلامی دست یابند و ثمره مورد انتظار را نداشته‌اند؟ این پژوهش همچنین به دنبال ارائه راهکارهایی برای تقویت نقش و کارایی احزاب در چارچوب نظام مردم‌سالاری دینی خواهد بود.

۲. پیشینه پژوهش

احمد نقیب‌زاده (۱۳۹۷) در کتاب «احزاب سیاسی و گروه‌های ذی‌نفوذ»، با رویکردی تحلیلی - جامعه‌شناختی به بررسی پدیده احزاب سیاسی و نقش آنها در جوامع می‌پردازد. این اثر، ضمن بررسی ریشه‌های تاریخی شکل‌گیری احزاب و نظریات مرتبط، انواع و ساختار درونی احزاب را مورد بررسی قرار می‌دهد. نویسنده با بررسی تعامل احزاب با ساختارهای قدرت و بستر اجتماعی-فرهنگی، چگونگی شکل‌گیری و عملکرد آنها را تبیین می‌کند. ویژگی برجسته این کتاب، تمرکز بر گروه‌های ذی‌نفوذ و تأثیر آنها بر فرایندهای سیاسی و تصمیم‌گیری‌هاست که تصویری جامع از عرصه سیاست ارائه می‌دهد و نقش این گروه‌ها را در شکل‌دهی سیاست‌ها، چه در حضور و چه در غیاب احزاب، نشان می‌دهد. داود فیرحی (۱۴۰۲) در کتاب «فقه و حکمرانی حزبی»، در مواجهه با چالش‌های نظری و عملی نسبت دین و سیاست در ایران معاصر، به بررسی نسبت فقه (میراث اندیشه سیاسی اسلام) و حکمرانی حزبی (یکی از اشکال حکومت‌داری مدرن) می‌پردازد. این اثر در حوزه فقه سیاسی، با رویکردی تحلیلی-تاریخی و با تکیه بر متون فقهی و تحولات سیاسی-اجتماعی ایران، مفهوم حزب و جایگاه آن در اندیشه سیاسی اسلامی را واکاوی می‌کند. نویسنده با تأکید بر نوظهور بودن مسئله حزب در فقه سنتی و ضرورت تطبیق فقه با واقعیت‌های جدید، در پی ایجاد پلی میان سنت و مدرنیته و دستیابی به فهمی نوین از نسبت دین و سیاست در حکمرانی است. این کتاب با طرح مباحث نو و رویکرد متفاوت، بر شکل‌گیری گفتمان‌های جدید در فقه سیاسی معاصر تأثیرگذار بوده است.

حسین بشیریه (۱۳۸۰) در کتاب «دولت و جامعه مدنی»، با رویکردی جامعه‌شناختی و با بهره‌گیری از نظریات گرامشی، به بررسی رابطه پیچیده و متقابل این دو نهاد کلیدی در جوامع مدرن می‌پردازد. او ضمن تحلیل چگونگی شکل‌گیری، تحول و تعامل دولت و جامعه مدنی در بسترهای تاریخی-اجتماعی گوناگون، بر استقلال نسبی جامعه مدنی تأکید می‌کند و آن را عرصه‌ای برای بروز نیروها، منافع و تشکلهای اجتماعی تعریف می‌کند که در شکل‌دهی افکار عمومی، سازماندهی مشارکت سیاسی و نظارت بر قدرت دولت نقش ایفا می‌کنند. بشیریه همچنین تأثیر ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بر شکل‌گیری و عملکرد این دو نهاد را بررسی و رابطه دیالکتیکی و تأثیرگذار آنها بر یکدیگر را تبیین می‌کند. به باور او، توسعه جامعه مدنی قوی و پویا، شرط لازم تحقق دموکراسی و محدودسازی قدرت دولت است، زیرا با ایجاد فضایی برای رقابت و تعامل آزاد گروه‌ها و تشکلهای، از تمرکز قدرت جلوگیری و زمینه مشارکت فعال شهروندان در امور سیاسی-اجتماعی را فراهم می‌آورد. این کتاب منبعی مهم در جامعه‌شناسی سیاسی و مطالعات دولت و جامعه مدنی در ایران محسوب می‌شود.

صادق زیباکلام (۱۳۹۵) در کتاب «دموکراسی در ایران: چالش‌ها و چشم‌اندازها» نگاهی انتقادی به وضعیت احزاب سیاسی در کشور دارد. وی معتقد است که احزاب سیاسی در ایران نتوانسته‌اند به آن شکلی که در دموکراسی‌های لیبرال وجود دارد، نقش خود را به عنوان نمایندگان واقعی مردم ایفا کنند. دلایل این ناکامی را می‌توان در دخالت گسترده دولت در امور احزاب، نبود فضای آزاد برای فعالیت آن‌ها، فقدان فرهنگ مشارکت سیاسی در میان مردم و ضعف ساختارهای داخلی احزاب جستجو کرد. زیباکلام بر این باور است که تا زمانی که این موانع برطرف نشود، احزاب سیاسی در ایران نمی‌توانند نقش مؤثری در اداره امور کشور ایفا کنند و دموکراسی در ایران با چالش‌های جدی مواجه خواهد بود.

حمیدرضا جلائی‌پور (۱۴۰۱) در کتاب «جامعه‌شناسی سیاسی ایران ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۷» با بهره‌گیری از ترکیبی از پارادایم‌ها، نظریه‌ها و رویکردهایی مانند عقلانیت نقاد و پسااثباتی، به بررسی پویایی‌ها و تحولات سیاسی-اجتماعی ایران در چهار دهه پس از انقلاب اسلامی می‌پردازد. او با تمرکز بر پویایی‌های درونی جامعه مدنی، به تحلیل جنبش‌های مختلف اجتماعی از جمله جنبش‌های اصلاحات، سبز، جنسیتی، قومی و دانشجویی می‌پردازد و تلاش می‌کند تا فهمی جامع از تغییرات و تحولات جامعه ایران در این دوره ارائه دهد. این کتاب با رویکردی چندوجهی، به بررسی عوامل مؤثر در شکل‌گیری و تحول این جنبش‌ها، تأثیر آن‌ها بر ساختار سیاسی و اجتماعی ایران و همچنین چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی آن‌ها می‌پردازد.

بهرام اخوان کاظمی (۱۳۹۷) در کتاب «علل ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران» به دخالت دولت در امور احزاب و محدود کردن فضای فعالیت آنها به عنوان یکی از مهم‌ترین دلایل ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران اشاره کرده است. وی معتقد است که این دخالت دولت باعث شده احزاب به جای اینکه به عنوان نمایندگان واقعی مردم عمل کنند، به ابزارهایی در دست قدرت تبدیل شوند. خلیل اله سردارنیا (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان، تحلیل جامعه‌شناختی نهادینه نشدن و ناکامی

تحزب در ایران از انقلاب مشروطه تا به امروز، به مهم‌ترین عوامل تاریخی - جامعه‌شناختی تأثیرگذار بر ناکامی و عدم تحزب نهادمند در ایران در یک سده اخیر اشاره می‌کند و نتیجه می‌گیرد که آنچه در یک دهه اخیر مشاهده شده است عموماً رقابت‌های سیاسی و حزبی ناسالم و غیر نهادمند قدرت بنیاد بوده و این امر باعث بی‌اعتمادی همگانی مردم به احزاب شده است.

رضا خراسانی و محمد احمدوند (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «امکان‌سنجی تحزب در جمهوری اسلامی ایران» به بررسی امکان شکل‌گیری و فعالیت احزاب سیاسی مؤثر و کارآمد در چارچوب نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران پرداختند. این پژوهش با رویکردی تحلیلی و با تلفیق مباحث نظری مرتبط با احزاب و واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی ایران، چالش‌ها و فرصت‌های فعالیت حزبی در انطباق با قانون اساسی و مبانی فکری نظام را تحلیل کرد. هدف این مطالعه، ارائه تصویری واقع‌بینانه از وضعیت تحزب در ایران با بررسی موانع، محدودیت‌ها، ظرفیت‌ها و فرصت‌های بالقوه بود و در راستای تلاش‌های علمی گسترده‌تر برای بررسی نسبت دین و سیاست و چگونگی انطباق نهادهای مدرن سیاسی با مبانی دینی و ارزش‌های انقلاب اسلامی انجام شد.

کاظم معتمدنژاد (۱۳۸۰) در کتاب جامعه مدنی در ایران، یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی جامعه مدنی ایران را ضعف نهادهای مدنی و به ویژه احزاب سیاسی می‌داند. وی معتقد است که عوامل مختلفی از جمله دخالت دولت در امور احزاب، نبود فضای آزاد برای فعالیت احزاب، و فقدان فرهنگ مشارکت سیاسی، باعث تضعیف نقش احزاب در ایران شده است.

شیخ‌زاده جوشانی و همکاران (۱۴۰۱) در «فراتحلیل موانع توسعه حزبی در ایران بین سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۹۸»، با بررسی ۱۱۸ مطالعه و تحلیل ۳۰ سند، ۱۳۰ مانع را در شش رویکرد (نهادی، حقوقی-قانونی، سیاسی، فرهنگ سیاسی، جامعه‌شناختی و نوسازی/مدرنیزاسیون) دسته‌بندی کردند. «موانع فرهنگ سیاسی» با ۳۵.۳۸٪، پرتکرارترین مانع بود. پژوهشگران، اصلاح فرهنگ سیاسی در سه سطح رهبران، نخبگان/فعالان و توده را برای ایجاد نگرش مثبت به حزب و فعالیت حزبی پیشنهاد می‌کنند و تغییر نگرش‌های فرهنگی را پیش شرط توسعه فعالیت‌های حزبی می‌دانند.

جلیل دارا و صادقی (۱۴۰۰) در پژوهش «احزاب سیاسی در نظام انتخابات جمهوری اسلامی ایران آسیب‌ها و راهکارها»، آسیب‌های «ساختاری» را مهم‌ترین عامل ناکارآمدی احزاب در نظام انتخاباتی ایران دانسته و سپس آسیب‌های «قانونی»، «اقتصادی»، «عملکردی» و «فرهنگی» را در مراتب بعدی اهمیت قرار داده‌اند. این پژوهش، اصلاح ساختارهای موجود را پیش شرط اساسی بهبود عملکرد احزاب در نظام انتخاباتی می‌داند.

خسرو قبادی (۱۳۹۹) در پژوهشی پیرامون نقش نهادهای مدنی در کارآمدی دولت جمهوری اسلامی ایران، نشان داد که تمایل و اجازه دولت، تعیین‌کننده‌ترین عامل در میزان نقش‌آفرینی این نهادهاست. به علاوه، موانع موجود بر سر راه این نقش‌آفرینی، از عوامل مؤثر بر آن مهم‌تر بوده و بیانگر بی‌اعتمادی دولت به نهادهای مدنی است. در نهایت، پژوهش بر لزوم بهبود رابطه دولت و نهادهای مدنی برای افزایش کارآمدی دولت تأکید می‌کند.

عبدالله جاسبی و رضا پریزاد (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «آسیب‌شناسی نقش نخبگان حزبی در عدم استمرار حزب جمهوری اسلامی» با استفاده از الگوی نهادمندی هاتینگتون، نشان دادند که تعارض بین الزامات نهادمندی حزب و تعهدات ایدئولوژیک نخبگان، عامل اصلی توقف فعالیت حزب جمهوری اسلامی بوده است؛ زیرا نخبگان، حفظ ارزش‌های اسلامی و انقلاب را بر ادامه فعالیت حزب ترجیح دادند.

با بررسی پیشینه پژوهش می‌توان گفت پژوهش حاضر با تمرکز بر بازه زمانی ۱۳۷۶ تا ۱۴۰۲، رویکردی نوآورانه در بررسی ناکامی و عدم کارایی احزاب سیاسی در ایران اتخاذ کرده است. در حالی که پژوهش‌های پیشین در این حوزه عمدتاً رویکردی توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای داشته و به ارائه راهکارهای عملی و مشخص برای رفع چالش‌های احزاب پرداخته‌اند، این پژوهش با استفاده از روش تحلیل محتوای مصاحبه‌ها و تأکید بر جمع‌آوری داده‌های میدانی، به دنبال ارائه راهکارهای اجرایی و مبتنی بر شواهد است. نوآوری اصلی این پژوهش در چند جنبه قابل تعریف است. نخست، رویکرد حل‌مسائلی و ارائه راهکارهای اجرایی، پژوهش را از سطح نظری صرف فراتر برده و به سمت ارائه پیشنهادها مشخص برای سیاست‌گذاران و فعالان حزبی سوق می‌دهد. دوم، استفاده از روش تحلیل محتوای مصاحبه‌ها با دو گروه کلیدی، یعنی اساتید دانشگاه و پژوهشگران حوزه علوم سیاسی و کنشگران حزبی-مدنی، به جمع‌آوری داده‌های دست اول و اطلاعات عمیق در مورد چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی احزاب در ایران پرداخته است. این رویکرد اکتشافی و میدانی، پژوهش را از محدودیت‌های صرفاً استفاده از منابع کتابخانه‌ای فراتر برده و به درک دقیق‌تری از واقعیت‌های موجود در میدان عمل کمک می‌کند و به پژوهش عمق و اعتبار بیشتری می‌بخشد. تمرکز بر بازه زمانی مشخص (۱۳۷۶-۱۴۰۲) که شامل دوره‌های مهمی از تحولات سیاسی و اجتماعی در ایران است (از جمله دوره اصلاحات، دولت‌های بعدی و تحولات اخیر)، امکان بررسی دقیق‌تر تأثیر این تحولات بر عملکرد احزاب را فراهم می‌کند و به پژوهش انسجام و تمرکز بیشتری می‌بخشد.

این پژوهش با نگاهی جامع و چندوجهی، هم به عوامل ساختاری مؤثر بر ناکامی احزاب (مانند ساختار حقوقی و قانونی، نظام سیاسی، و فرهنگ سیاسی) و هم به عوامل کنشگرا (مانند عملکرد احزاب، استراتژی‌ها، و تعاملات آنها با سایر بازیگران سیاسی) توجه می‌کند. این رویکرد جامع، از تقلیل‌گرایی و تمرکز صرف بر یک جنبه از مسئله جلوگیری می‌کند و درک عمیق‌تری از پیچیدگی‌های موضوع فراهم می‌آورد. با تحلیل محتوای مصاحبه‌ها با اساتید دانشگاه و کنشگران حزبی-مدنی، این پژوهش راهکارهای عملی و مبتنی بر واقعیت‌های موجود ارائه می‌دهد. این رویکرد، باعث می‌شود که راهکارهای ارائه شده، کاربردی‌تر و قابل اجرا باشند و یافته‌های آن می‌تواند برای سیاست‌گذاران و نهادهای حاکمیتی در جهت اصلاح قوانین و سیاست‌های مربوط به احزاب، و همچنین برای خود احزاب در جهت بهبود عملکرد و استراتژی‌هایشان مفید باشد. این ویژگی‌ها، پژوهش را از پژوهش‌های پیشین متمایز کرده و به آن ارزش و اهمیت بیشتری می‌بخشد.

۳. چارچوب نظری

در حوزه توسعه سیاسی و اجتماعی، توجه توأمان به رویکردهای نهادی و فرهنگی برای تبیین رقابت سیاسی نهادمند و مسالمت‌آمیز، به‌ویژه با تأکید بر کنشگری حزبی-مدنی، ضروری است. نظریه‌های متعددی در این زمینه مطرح شده‌اند که می‌توان آن‌ها را در دو دسته کلی نهادی و فرهنگی-اجتماعی دسته‌بندی کرد. دسته اول، بر سازوکارهای رسمی و ساختارهای سیاسی تمرکز دارد. برای مثال، نظریه نهادمندی^۱ هانتینگتون (۱۳۷۵: ۲۲) بر تناسب میان تغییرات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی با سطح نهادمندی احزاب و مؤلفه‌های انطباق‌پذیری، انسجام، پیچیدگی و استقلال آن‌ها تأکید می‌ورزد. همچنین، نظریه‌های کنشگری سیاسی-مدنی بر رعایت «قواعد بازی دموکراتیک» و اصل «وحدت در عین کثرت» به‌عنوان چارچوبی برای رقابت مسالمت‌آمیز تأکید دارند. این دسته از نظریه‌ها، نقش نهادها و ساختارهای سیاسی در شکل‌دهی به رفتار کنشگران را برجسته می‌کنند.

نظریه ساختمندی^۲ گیدنز (۱۹۸۴: ۱۷۵) نیز با تأکید بر تعامل بین ساختار و عاملیت، نشان می‌دهد که چگونه ساختارها هم محدودکننده و هم توانمندساز کنشگران هستند. دسته دوم، رویکردهای فرهنگی-اجتماعی، بر باورها، ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه تمرکز دارند. نظریه‌های فرهنگ سیاسی بر اشاعه و درونی‌سازی باورهای دموکراتیک و تعهد عملی کنشگران به آن‌ها تأکید می‌کنند. نظریه مقبولیت عملکردی-کارکردی و مشروعیت سیاسی نیز بر نقش اعتماد عمومی به نهادها در مشارکت سیاسی تأکید دارد. نظریه فرهنگی دیاموند (به نقل از سردارنیا، ۱۴۰۱: ۱۵۶) بر عناصری مانند تعادل، تساهل، مدنیت، اثربخشی، دانش و مشارکت به‌عنوان مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی دموکراتیک تأکید دارد. نظریه وفاق ارزشی^۳ اینگلهارت و ولزل (۱۳۸۹: ۲۲) نیز تغییر اولویت‌های ارزشی به سمت ارزش‌های فرامادی در نسل‌های جوان را بررسی می‌کند و چاندوک (۱۳۷۷: ۲) بر اهمیت جامعه مدنی دموکراتیک به‌عنوان لازمه دولت دموکراتیک تأکید دارد. این رویکردها، نقش فرهنگ و ارزش‌ها در شکل‌دهی به رفتار سیاسی و اجتماعی را برجسته می‌کنند. این پژوهش با بهره‌گیری از این نظریه‌ها به‌عنوان چارچوب نظری، در طراحی سؤالات و تحلیل داده‌ها استفاده نموده است.

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر با هدف بررسی چالش‌ها و ارائه راهکارهای بهبود کنشگری حزبی در ایران در بازه زمانی ۱۳۷۶ تا ۱۴۰۲، رویکردی کیفی با هدف کاربردی را اتخاذ نموده است. این رویکرد، امکان درک عمیق از تجربیات، دیدگاه‌ها و تفسیرهای کنشگران و متخصصان این حوزه را فراهم ساخته و به ارائه راهکارهای عملی و مبتنی بر شواهد منجر می‌گردد. جامعه آماری پژوهش شامل دو گروه

1. Institutionalization
2. Structuration
3. Theory of post-materialist values

کلیدی به شرح زیر است: (۱) اساتید دانشگاه و پژوهشگران حوزه علوم سیاسی و (۲) کنشگران و فعالان حزبی-مدنی در سطح کشوری. به منظور گردآوری داده‌های غنی و متنوع، از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد و با ۳۰ نفر از هر گروه (در مجموع ۶۰ نفر) مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام پذیرفت. انتخاب این دو گروه بر اساس دانش نظری و تجربه عملی آنها در زمینه کنشگری حزبی-مدنی صورت گرفت.

ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. هر مصاحبه شامل ۱۵ سؤال باز بود که بر اساس ادبیات تحقیق و چارچوب مفهومی پژوهش طراحی گردید. مصاحبه‌ها با رعایت اصول اخلاقی پژوهش از جمله کسب رضایت آگاهانه شرکت‌کنندگان و حفظ محرمانگی اطلاعات انجام شد. تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی صورت گرفت. فرایند تحلیل داده‌ها شامل مراحل زیر بود: (۱) تجمیع و سازماندهی متن پیاده‌شده (مصاحبه‌ها، ۲) کدگذاری باز به منظور استخراج کدهای اولیه از متن مصاحبه‌ها، (۳) کدگذاری محوری برای دسته‌بندی کدهای مشابه و مرتبط و شکل‌گیری مفاهیم انتزاعی‌تر، (۴) استخراج زیرمقوله‌ها و سپس مقوله‌های اصلی پژوهش بر اساس کدهای محوری، و (۵) ارائه یافته‌ها در قالب جداول با ذکر فراوانی هر مقوله و زیرمقوله و ارائه مستندات گفتاری و نوشتاری مستخرج از مصاحبه‌ها در تحلیل‌ها و در چارچوب نظریه‌های اصلی پژوهش.

در فرایند گردآوری داده‌ها، از رویکرد اشباع نظری استفاده شد. به این معنا که با تکرار نتایج و داده‌های مستخرج از مصاحبه‌ها و رسیدن به نقطه‌ای که داده‌های جدید اطلاعات جدیدی ارائه نمی‌دادند، از ادامه مصاحبه‌ها خودداری و تمرکز بر تحلیل داده‌های موجود قرار گرفت. این رویکرد، به اطمینان از کفایت داده‌ها و جلوگیری از جمع‌آوری داده‌های زائد کمک می‌نماید.

۵. یافته‌های میدانی پژوهش

در این قسمت، نخست یافته‌های میدانی پژوهش که حاصل مصاحبه نیمه ساختاریافته با اساتید دانشگاهی، پژوهشگران و کنشگران حزبی و مدنی است در قالب جداول مربوطه (با تفکیک اساتید و پژوهشگران و فعالان حزبی و مدنی و نیز در طول طیف چالش‌ها و راهکارها) ارائه و شرح داده می‌شوند. بعد از استخراج مقوله‌های اصلی در هر بخش، بحث تحلیلی در باب مقولات به دست آمده و تلاش برای پیوند بین نظریه پژوهش و یافته‌ها طرح می‌شود تا از این منظر، پاسخ تحلیلی و میدانی پژوهش دسته‌بندی و مرتب شوند.

۵-۱. آسیب‌شناسی کنشگری حزبی و مدنی در ایران

جدول شماره ۱: آسیب‌شناسی کنشگری حزبی و مدنی در ایران از منظر اساتید دانشگاه و پژوهشگران

مقوله‌های اصلی	زیر مقوله‌ها	کدها
محدودیت‌های قانونی و ساختاری	محدودیت‌های کنشگری حزبی، محدودیت‌های ساختاری، مشکلات تفسیری	مشکلات قانونی و تفسیری شامل تفسیر گزینشی قانون اساسی، عدم استقلال نهادهای تفسیری، ابهام و نقص قوانین حزبی و محدودیت چارچوب‌های قانونی فعالیت احزاب؛ محدودیت‌های ساختاری سیاسی شامل محدودیت‌های ساختاری و رویکرد امنیتی به کنشگری سیاسی؛ و محدودیت‌های کنشگری حزبی شامل فشارهای امنیتی و تهدیدات، عدم به رسمیت شناختن حقوق قانونی احزاب و محدودیت آزادی بیان.
مشکلات و کاستی‌های درون‌حزبی و مدنی	ضعف‌های رفتاری و کنشگری احزاب، ضعف‌های اندیشه‌ای احزاب	ضعف ساختاری و تشکیلاتی، فقدان اندیشه راهبردی و برنامه‌محور، تمرکز بر منافع شخصی و کوتاه‌مدت، عدم انسجام و هویت حزبی، رقابت تخریبی و دگرستیزانه، قانون‌گریزی و بی‌اعتنایی به قواعد رقابت، عدم تعامل سازنده با حکومت و جامعه و انحصارطلبی و تقدم منافع شخصی.
مشکلات رفتاری و عملکردی کنشگران	ناتوانی در ارائه راهکار و گفتمان، ضعف درون‌سازمانی، فساد، بی‌توجهی به مطالبات، ناتوانی در ارائه راهکار و گفتمان	گسست از جامعه و بی‌توجهی به مطالبات مردمی، عدم پاسخگویی و شفافیت، ناتوانی در جلب مشارکت عمومی، فساد و منفعت‌طلبی، ترجیح منافع شخصی و گروهی بر منافع ملی، عدم شفافیت و پاسخگویی، ساختار غیردموکراتیک و محفلی، عدم پایبندی به اخلاق مدنی، قانون‌گریزی و عدم انتقادپذیری، ناتوانی در مدیریت اختلافات، عدم ثبات و پایداری، فرصت‌طلبی و تغییر مواضع، عدم امنیت سیاسی، ناتوانی در ارائه راهکار و گفتمان مؤثر و عدم تحقق وعده‌ها و شعارزدگی.

<p>عدم پاسخگویی و شفافیت، فقدان سازوکارهای دموکراتیک، رقابت ستیزه‌جویانه، ضعف ساختاری و تشکیلاتی، عدم انسجام و هماهنگی، عدم تعامل مؤثر با ذینفعان، وابستگی به منابع قدرت (دولتی، مالی، خارجی)، مداخله‌پذیری، نخبه‌گرایی، عدم مشارکت مؤثر اعضا و عدم حضور مستمر و مؤثر در عرصه سیاسی.</p>	<p>نخبه‌گرایی، وابستگی، ضعف ساختاری، ضعف سازوکارهای دموکراتیک</p>	<p>مشکلات ساختاری و سازمانی</p>
<p>گسست ارتباطی احزاب و نهادهای مدنی با جامعه، عدم ایفای نقش واسط بین مردم و حاکمیت، بی‌توجهی به مطالبات و اعتراضات مردمی، وابستگی نهادهای مدنی به دولت، محدودیت عملکرد و سرکوب نهادهای مستقل، محدودیت‌های قانونی و ساختاری در پیگیری مطالبات، ناکارآمدی سازوکارهای قانونی و اداری، محدودیت برگزاری تجمعات، بی‌اعتمادی عمومی به حاکمیت، احزاب، نهادهای مدنی و سازوکارهای اصلاح و تغییر و بی‌اعتباری نخبگان و گفتمان‌های سیاسی.</p>	<p>گسست ارتباطی احزاب و نهادهای مدنی با جامعه، بی‌اعتمادی عمومی، محدودیت‌های ساختاری، وابستگی و محدودیت عملکرد نهادهای مدنی</p>	<p>ناکارآمدی نهادهای رسمی و سنتی</p>
<p>ضعف در ارتباطات برون‌سازمانی، ناتوانی در ایجاد ائتلاف و تفاهم، عدم شبکه‌سازی مؤثر، تقابلات فکری شدید، عدم هماهنگی و همکاری، موازی‌کاری نهادی، عدم تعامل با ذینفعان داخلی و خارجی، عدم ارتباط مؤثر با حاکمیت، فقدان راهبرد مشخص برای ارتباط با جامعه، فقدان آموزش‌های سیاسی و تشکیلاتی و محدودیت‌های قانونی فعالیت احزاب.</p>	<p>ضعف در ارتباطات و تعاملات برون‌سازمانی، فقدان راهبرد و آموزش، موانع قانونی،</p>	<p>مشکلات روابط برون‌سازمانی</p>

با بررسی مقوله‌های اصلی «مشکلات روابط برون‌سازمانی»، «ناکارآمدی نهادهای رسمی و سنتی»، «مشکلات ساختاری و سازمانی»، «مشکلات رفتاری و عملکردی کنشگران» و «مشکلات و کاستی‌های درون حزبی و مدنی»، می‌توان نتیجه گرفت که کنشگری حزبی و مدنی در ایران با مجموعه‌ای از چالش‌های درهم‌تنیده در سطوح مختلف مواجه است. ناکارآمدی نهادهای رسمی و سنتی، بستر مناسبی برای فعالیت مؤثر احزاب و نهادهای مدنی فراهم نمی‌کند و از سوی دیگر، مشکلات ساختاری و سازمانی، از جمله موانع قانونی و محدودیت‌های سیاسی، دامنه فعالیت این نهادها را محدود می‌سازد. در این میان، مشکلات رفتاری و عملکردی کنشگران، از جمله عدم بلوغ حزبی، منفعت‌محوری و عدم ارتباط مؤثر با جامعه، اثربخشی آنها را کاهش می‌دهد. همچنین، کاستی‌های درون‌حزبی و مدنی،

مانند ضعف در ساختار داخلی، عدم شفافیت و ناتوانی در حل اختلافات، انسجام و پایداری آنها را تهدید می‌کند. در نهایت، مشکلات روابط برون‌سازمانی، از جمله عدم تعامل سازنده با حاکمیت و جامعه، به انزوای این نهادها و کاهش تأثیرگذاری آنها منجر می‌شود. این مجموعه عوامل، نشان‌دهنده وجود یک چرخه معیوب است که نیازمند اصلاحات جامع و هماهنگ در تمامی سطوح برای بهبود وضعیت کنشگری حزبی و مدنی در ایران است.

جدول شماره ۲: آسیب‌شناسی کنشگری حزبی و مدنی در ایران از منظر کنشگران و فعالان حزبی و مدنی

مقوله‌های اصلی	زیر مقوله‌ها	کدها
محدودیت کنشگری حزبی توسط ساختارها و عملکرد نهادها	محدودیت‌های ناشی از نظام انتخاباتی، نظارت استصوابی، محدودیت‌های وزارت کشور، نقش نهادهای امنیتی، عدم اجرای صحیح قوانین، محدودیت‌های قانون احزاب.	عملکرد نامناسب وزارت کشور در صدور مجوز و به رسمیت شناختن احزاب، ایجاد موانع اداری، عدم به رسمیت شناخته شدن احزاب توسط بخش‌های حاکمیت، محدودیت در دسترسی به رسانه‌ها (به‌ویژه رسانه‌های رسمی و خارجی)، نظام انتخاباتی غیررقابتی، نظارت استصوابی و محدودیت‌های اعمال‌شده توسط شورای نگهبان و تضعیف انگیزه فعالیت حزبی. تحدید اصول قانون اساسی در زمینه آزادی فعالیت احزاب توسط قانون احزاب و نظارت دولتی، عدم اجرای صحیح و کامل قوانین مربوط به فعالیت احزاب، دخالت نهادهای امنیتی در فرآیند صدور مجوز فعالیت احزاب و تأیید صلاحیت افراد و انحصار تأیید صلاحیت‌ها، محدودیت فعالیت برای فعالین مستقل و غیروابسته به جریان‌های خاص و کاهش انگیزه فعالیت حزبی.
محدودیت‌های اجتماعی و مالی برای احزاب	عدم امکان نمایندگی مؤثر، بی‌اعتمادی جامعه به کار حزبی، محدودیت منابع مالی احزاب	محدودیت و کنترل شدید منابع مالی احزاب، فشار بر حامیان مالی احزاب غیرحاکمیتی، دشواری تأمین منابع مالی از جامعه مدنی و عدم امکان ایجاد منابع پایدار، بی‌اعتمادی عمومی به احزاب به دلیل عملکرد نامناسب برخی افراد و سوءاستفاده از نام احزاب، ترجیح فعالیت مستقل، محدودیت فضاهای قانونی برای اعتراض و ناتوانی احزاب در نمایندگی و پیگیری مؤثر مطالبات مردمی.

<p>تحمیل هزینه‌های سنگین بر فعالان حزبی در راستای نهادینه‌سازی فعالیت حزبی و تشدید محدودیت‌ها و فشارهای امنیتی در صورت افزایش استقبال و حمایت مردمی از فعالیت‌های حزبی و مدنی.</p>	<p>هزینه‌های فعالیت، تشدید محدودیت‌ها</p>	<p>سترون‌سازی احزاب</p>
<p>گرایش به اقتدارگرایی و عدم تعامل با سایر جریان‌ها، استفاده ابزاری از شعارها، ایجاد الیگارشی و بی‌توجهی به بدنه، فقدان فرهنگ گفتگوی سازنده و تجربه دموکراتیک، ضعف و عدم شفافیت در فرایندهای انتخابی، نظارتی و اطلاع‌رسانی، عدم پایبندی به قوانین داخلی، ضعف در تعامل بین ارکان تشکیلات، رفتارهای غیردموکراتیک، فقدان سازوکارهای شفاف برای انتخابات داخلی، وابستگی مالی، ساختار هرمی و نخبه‌سالار، تمرکز صرف بر فعالیت‌های انتخاباتی و فقدان برنامه‌های مدون و بلندمدت.</p>	<p>فقدان برنامه‌های بلندمدت، فقدان دموکراسی داخلی، ضعف در فرایندهای داخلی، وجود گرایش‌های اقتدارگرایانه.</p>	<p>مشکلات مربوط به رفتار و عملکرد درون‌سازمانی</p>
<p>ضعف ارتباط رهبری و بدنه، انشعاب و اختلاف پس از کسب قدرت، بی‌توجهی به تصمیمات حزبی و جبهه‌ای، وابستگی مالی و سیاسی به افراد و نهادهای خاص، فقدان استقلال، عدم تحمل فعالیت‌های مستقل و انتقادی، فقدان نظام حزبی واقعی، ضعف فرهنگ کار جمعی، فردگرایی و عدم مشارکت مؤثر، ایجاد نهادهای موازی، قطبی شدن فضای سیاسی، مشکلات مالی و فقدان منابع پایدار.</p>	<p>مشکلات مالی، وجود نهادهای موازی، فردگرایی، عدم وجود نظام حزبی، نقد ناپذیری، عدم استقلال.</p>	<p>مشکلات مربوط به ارتباط و روابط برون‌سازمانی</p>

با بررسی مقوله‌های اصلی «محدودیت کنشگری حزبی توسط ساختارها و عملکرد نهادها»، «محدودیت‌های اجتماعی و مالی برای احزاب»، «سترون‌سازی حزب»، «مشکلات مربوط به رفتار و عملکرد درون‌سازمانی» و «مشکلات مربوط به ارتباط و روابط برون‌سازمانی»، می‌توان نتیجه گرفت که کنشگری حزبی در ایران با مجموعه‌ای از موانع ساختاری، قانونی، اجتماعی، مالی و رفتاری مواجه است که در تعامل با یکدیگر، منجر به تضعیف و بی‌اثر شدن نقش احزاب در عرصه سیاسی و اجتماعی کشور شده‌اند. محدودیت‌های اعمال‌شده توسط ساختارها و نهادهای حاکمیتی، مشکلات ناشی از قوانین مبهم و تفسیرپذیر و همچنین موانع اجتماعی و مالی، زمینه را برای «رکود» احزاب فراهم کرده و آنها را از ایفای نقش واقعی خود باز می‌دارد. در این میان، مشکلات درون‌سازمانی و ضعف در روابط برون‌سازمانی، این وضعیت را تشدید کرده و مانع از شکل‌گیری احزاب قدرتمند، منسجم و مؤثر می‌شود. این مجموعه عوامل نشان می‌دهد که برای بهبود وضعیت کنشگری حزبی در ایران، نیازمند اصلاحات جامع و هماهنگ در تمامی این سطوح هستیم.

۶. راهکارهای پیشنهادی برای برون‌رفت از چالش‌های و مشکلات حزبی و مدنی

جدول شماره ۳: راهکارهای پیشنهادی برون‌رفت از مشکلات حزبی و مدنی توسط اساتید دانشگاه و پژوهشگران

مقوله‌های اصلی	زیرمقوله‌ها	کدها
تقویت ارتباط با بدنه اجتماعی و افکار عمومی	ارتباط و نمایندگی، حضور فعال.	تعهد به ارتباط، شناسایی و نمایندگی منافع، گفتگو و نظرسنجی، ارائه کارنامه و گزارش، استفاده از رسانه‌ها، حضور در جامعه، حضور در مواقع حساس، حضور در پایگاه‌های استراتژیک.
تقویت دموکراسی درون‌سازمانی	آموزش و توانمندسازی، شفافیت، الزام به ساترالیسم دموکراتیک و پاسخگویی.	الزام قانونی و سازوکارهای درونی احزاب و نهادهای مدنی به ساترالیسم دموکراتیک (تصمیم‌گیری از پایین به بالا)، دریافت و پاسخگویی به نقدها در سطوح مختلف (محلی، استانی، ملی)، الزام حکومتی به اجرای این پاسخگویی، ایجاد بستر قانونی و عمومی برای التزام به تغییر مانیفست و نظارت‌پذیری در برابر نقدها، شفافیت در عملکرد، آرمان‌ها، شیوه‌های تصمیم‌گیری، ارتقاء اعضا و مسائل مالی، و برگزاری دوره‌های آموزشی برای ارتقاء شفافیت، نظارت‌پذیری و مشارکت اعضا و کادر.
تقویت نظارت‌پذیری	اطلاع‌رسانی مستمر، نظارت چندجانبه، نظارت و حسابرسی.	الزام قانونی و دموکراتیک تشکل‌ها به اطلاع‌رسانی مستمر (از طریق رسانه‌ها، نشریات و شبکه‌های اجتماعی)، دریافت شکایات و نقدها و اطلاع‌رسانی درباره تصمیمات، اقدامات و پیگیری‌ها، نظارت اجتماعی و نظارت احزاب رقیب بر احزاب حاکم، و همچنین ایجاد فرآیندهای نظارتی قوی، مستقل و منطبق با استانداردهای حقوق بشر و دولت قانون، و فرآیندهای حسابرسی و اعتبارسنجی مناسب.

<p>رفع موانع و محدودیت‌های قانونی، اعطای آزادی فعالیت به احزاب، تصویب و اجرای قوانین کارآمد (با تأکید بر پایداری حکومت)، تسهیل تأسیس نهادهای مدنی و رفع ممنوعیت از احزاب، تقویت مالی احزاب (از طریق بودجه و سایر روش‌ها) برای ارتباط مؤثر با جامعه، نهادینه‌سازی تحزب‌گرایی و دسترسی به رسانه‌ها، بازنگری در ساختار حکومت (از جمله ادغام مجالس و حذف برخی شوراهای) برای ایجاد یکپارچگی ملی و حکمرانی هوشمند، تضمین و حمایت (مالی، تدارکاتی، پشتیبانی، حقوقی و غیره) دولت از فعالیت‌های سیاسی و مدنی، تعریف دقیق حزب (با تأکید بر کارکردهای اصیل آن) و اصلاح رژیم سیاسی و تولید گفتمان جدید.</p>	<p>تضمین و حمایت از فعالیت‌ها، اصلاح ساختارها، تقویت مالی و رسانه‌ای، رفع موانع قانونی</p>	<p>تغییرات ساختاری و قانونی</p>
<p>ترویج فرهنگ حزبی و تأثیر آن در گذار به دموکراسی و فرهنگ مدنی و باز کردن فضای سیاسی، تمکین به تضارب آرا، نفی تک‌صدایی و ترویج اندیشه آزاد سیاسی، و به رسمیت شناختن و تضمین فعالیت آزادانه جریان‌های اپوزیسیونی.</p>	<p>تضارب آرا، فرهنگ حزبی و گذار به دموکراسی.</p>	<p>تغییر نگرش و فرهنگ</p>
<p>ایجاد دفاتر و تشکیلات سراسری، ارتباط مستمر با اعضا و مردم، ارتباط ارگانیک با بنیادهای اقتصادی و تمامی اقشار جامعه، ایجاد کمیته‌های تخصصی (فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و غیره)، انسجام درونی، چارت سازمانی برای ارتباط با اعضا و بازتحول ساختاری متناسب با تحولات نسلی و جمعیتی، خروج از حالت فصلی و موقتی، داشتن برنامه‌های مستمر، رویکرد بلندمدت و حرکت گروه‌های سیاسی به سوی حزب شدن با پایگاه اجتماعی مشخص (نه فقط انتخابات محور)، تدوین قوانین مناسب برای نهادمندی احزاب و ارتباط با مردم، تسهیل تأسیس حزب (در نهادهای حاکمیتی) و انجام اصلاحات قانونی به نفع تحزب، تعیین ساختارهای دقیق و شفاف با نقش و مسئولیت‌های واضح و استانداردهای عملکرد و ارزیابی منظم عملکرد، و بازتعریف حزب و تطبیق ساختار آن با تحولات اجتماعی.</p>	<p>تطبیق با تحولات اجتماعی، شفافیت ساختار و ارزیابی عملکرد، الزام قانونی به نهادمندی و تسهیل تأسیس حزب، خروج از حالت فصلی، ساختاردهی منسجم، نهادمندی.</p>	<p>تقویت ساختار و سازماندهی</p>

<p>تطبيق جهت گیری، مانيفست و تصميمات با تحولات، تمرکز بر تصميم سازی جمعی، ارتباط با نخبگان و تأثير بر سياست گذاری‌ها از طريق تبليغ و همراهی افکار عمومی، توجه به مطالبات جامعه، برگزاری جلسات و ارتباط با اندیشمندان و اندیشیده‌ها، تمرکز بر فرهنگ سازی، ایجاد سازمان دموکراتیک، آموزش کادر و نهادینه سازی فرهنگ دموکراتیک، آموزش مدنی به اعضا و مردم و پرهیز از موقتی بودن، دوری از رقابت‌های منفی و انحصارگرایی، توجه به بازخوردها و وعده‌ها، شفافیت در عضوگیری، برگزاری منظم جلسات و اظهار نظر در موضوعات سیاسی، آموزش دانش سیاسی و ارتقاء فرهنگ مدنی، جلب اعتماد حکومت، سرمایه گذاری روی آموزش شهروندان، ارائه دستاورد ملموس، پرهیز از کیش شخصیت، عضوگیری مؤثر، گزارش دهی مالی و رده بندی شفاف اعضا، ایجاد فرهنگ سازمانی مبتنی بر اخلاق، انضباط و تعهد، آموزش و ارتقاء توانمندی اعضا (در زمینه‌های مدیریت، ارتباطات، نظارت و حل اختلاف)، تشویق به مشارکت فعال، ترویج دموکراسی، شفافیت و حقوق بشر در داخل سازمان، ایجاد گفتمان جدید و دوری از رادیکالیسم و تأکید بر کار جمعی.</p>	<p>ترویج دموکراسی و حقوق بشر، پرهیز از رقابت‌های منفی، دموکراسی درونی، مطالبات و ارتباط مستمر، تغییر جهت گیری و کارکردی شدن.</p>	<p>تغییر رویکرد و عملکرد احزاب</p>
--	--	------------------------------------

<p>بازبینی آسیب‌شناسانه عوامل بحران اعتماد (ازجمله ارتباط ضعیف با مردم، عملکرد ضعیف، عدم پیگیری مطالبات، عدم نظارت‌پذیری و عدم نقدپذیری)، استقلال از جریان‌های قدرت محور، منابع مالی دولت و صاحبان قدرت دولتی، عدم نظارت دولت بر فعالیت‌ها، توجه به مصالح عمومی، رعایت حرمت‌ها و حقوق دیگران و شفافیت اخلاقی و رفتاری، اخلاق‌محوری، پاسخگویی، نظارت‌پذیری، برخورد صادقانه با مردم، شفافیت کنش‌ها، پاسخگویی درباره ناکامی‌ها، عملکرد شفاف و شفافیت مالی، دموکراسی درونی در روابط رهبران، ارتباط دموکراتیک و مسئولیت‌پذیری با مردم، ایجاد تعادل بین منافع حزبی و مصالح جمعی، رعایت قواعد دموکراتیک و وحدت در عین کثرت، پیگیری و تحقق دغدغه‌های مردم، ارائه گزارش عملکرد، تعیین آرمان‌ها و اهداف مشخص، تحقق وعده‌ها و پرهیز از شعارزدگی و ایدئولوژیک‌گرایی، جذب نخبگان پاک‌دست، پویایی و اعلام موضع در قبال مسائل جامعه و ارائه همزمان دستاوردها و نقاط ضعف.</p>	<p>جذب نخبگان، توجه به مطالبات، دموکراسی درونی، اخلاق‌محوری، استقلال احزاب، بازبینی آسیب‌شناسانه بحران اعتماد.</p>	<p>بهبود عملکرد و رفتار احزاب</p>
<p>تحقق رشد اقتصادی و خروج دولت از اقتصاد رانتی برای ایجاد جامعه مدنی مستقل از دولت (به لحاظ مالی) و حمایت مالی مؤسسات مالی و اقتصادی (به‌عنوان اسپانسر) از نهادها، مشابه کشورهای توسعه‌یافته.</p>	<p>حمایت مالی بخش خصوصی، تحقق رشد اقتصادی.</p>	<p>توسعه اقتصادی و استقلال مالی</p>
<p>ایجاد زمان کافی، صبر و مدارا برای نتیجه‌گیری سیاسی و داشتن نگاه بلندمدت برای احزاب (و پرهیز از گذرا بودن).</p>	<p>نگاه بلندمدت، زمان کافی</p>	<p>برنامه‌ریزی بلندمدت</p>

<p>اراده سیاسی برای تسهیل فعالیت حزبی و مدنی و حکمرانی دوسویه با توجه به نهادهای مدنی و احزاب، تغییر نگاه حاکمان به احزاب، تعامل احزاب با نظام سیاسی، روشن شدن کارآمدی احزاب، دوری از تک‌قطبی شدن و اقتدارگرایی و دادن فضای بیشتر به احزاب، بازتر شدن فضای اجتماعی، کاهش نگاه امنیتی و نگاه مثبت به جامعه مدنی به‌عنوان مکمل تصمیم‌سازی، نهادمند شدن تصمیم‌سازی بر پایه نظرات جامعه مدنی و تمهیدات قانونی برای دریافت بازخوردها و جلوگیری از انباشت نارضایتی، اصلاح بخش‌های تفسیرپذیر قانون اساسی و ایجاد نهادی برای محافظت از جمهوریت (با توجه به تمرکز شورای نگهبان بر اسلامیت).</p>	<p>اصلاح قانون اساسی، نهادمند شدن تصمیم‌سازی، نگاه مثبت به جامعه مدنی، تغییر نگاه حاکمان، تسهیل فعالیت‌ها</p>	<p>اصلاح رویکرد حکومت و ایجاد اراده سیاسی</p>
--	---	---

با بررسی مقوله‌های اصلی «تقویت ارتباط با بدنه اجتماعی و افکار عمومی»، «تقویت دموکراسی درون‌سازمانی»، «تقویت نظارت‌پذیری»، «تغییرات ساختاری و قانونی»، «تغییر نگرش و فرهنگ»، «تقویت ساختار و سازماندهی»، «تغییر رویکرد و عملکرد احزاب»، «بهبود عملکرد و رفتار احزاب»، «توسعه اقتصادی و استقلال مالی»، «تداوم و برنامه‌ریزی بلندمدت» و «اصلاح رویکرد حکومت و ایجاد اراده سیاسی»، می‌توان نتیجه گرفت که برون‌رفت از مشکلات حزبی و مدنی در ایران مستلزم یک رویکرد جامع و چندوجهی است که شامل اصلاحات در سطوح مختلف می‌شود.

این اصلاحات از تقویت ارتباط احزاب با جامعه و اعضا و ارتقاء دموکراسی و نظارت‌پذیری درونی آنها آغاز شده و تا تغییرات ساختاری و قانونی در نظام سیاسی و تغییر نگرش و فرهنگ حاکم بر روابط حکومت و احزاب ادامه می‌یابد. تقویت ساختار و سازماندهی احزاب، تغییر رویکرد و عملکرد آنها و بهبود رفتارشان، همراه با توسعه اقتصادی و استقلال مالی، به آنها امکان می‌دهد تا نقش مؤثرتری در جامعه ایفا کنند. تداوم فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی بلندمدت نیز برای دستیابی به اهداف پایدار ضروری است. در نهایت، اصلاح رویکرد حکومت و ایجاد اراده سیاسی برای تعامل سازنده با احزاب و نهادهای مدنی، شرط لازم برای تحقق این تغییرات و بهبود وضعیت کنشگری حزبی و مدنی در ایران است. این مجموعه اقدامات، در تعامل با یکدیگر، می‌تواند به ایجاد فضایی بازتر، رقابتی‌تر و دموکراتیک‌تر برای فعالیت احزاب و نهادهای مدنی منجر شود.

جدول شماره ۴: راهکارهای پیشنهادی برون‌رفت از مشکلات حزبی-مدنی توسط کنشگران و فعالان حزبی و مدنی

مقوله‌های اصلی	زیر مقوله‌ها	کدها
تقویت ارتباط و تعامل با بدنه اجتماعی و افکار عمومی	نقد عمومی عملکرد، انگیزه برای عضویت، شفافیت، حضور در فضای مجازی، ایجاد فضای صمیمی، ارتباط مؤثر با مردم	آموزش فرهنگ مدنی (از طریق روش‌های مختلف)، ایجاد دفاتر ارتباط مردمی، توجه به نظرات و نقدها، استفاده از فضای مجازی برای ارتباط و نظرسنجی، ایجاد ارتباط مؤثر بین رهبران و مردم، بهره‌گیری از ظرفیت نخبگان، ایجاد فضای صمیمی در تشکیلات و فضاهای غیررسمی برای تعامل، حضور فعال در فضای مجازی، پیگیری مطالبات مردم، توجه ویژه به اقشار محروم، الزام رهبران به تبعیت از اصول، استفاده از رسانه‌ها برای شفافیت و پاسخگویی، نقد عمومی عملکرد تشکل‌ها، ایجاد گفت‌وگو درباره اهمیت فعالیت تشکیلاتی و ایجاد انگیزه برای عضویت.
تقویت نظارت‌پذیری و پاسخگویی	برنامه‌ریزی تشکیلاتی مستمر، گردش نخبگان و پاسخگویی، شفاف‌سازی، حمایت از فعالیت‌های حزبی.	پذیرش اقدامات حزبی توسط ارکان حاکمیتی، تشویق نظارت مردمی و تکریم کنشگران سیاسی برای توسعه مشارکت اجتماعی، تقویت احساس شنیده شدن مطالبات مردمی و تسهیل فرایندهای دموکراتیک در انتخابات و نظارت بر آنها، نهادینه‌سازی پاسخگویی، شفاف‌سازی فرایندها، عملکردها، منابع درآمدی و گزارش جلسات، گردش نخبگان در احزاب و برنامه‌ریزی سالانه برای ارتقاء پاسخگویی به جامعه و شفافیت درون تشکیلاتی و برنامه‌ریزی مستمر (حتی در زمان‌های بین انتخابات).
عوامل کلان و ساختاری	تغییر ساختاری، اصلاح قانون احزاب، عملکرد نهادهای امنیتی، اهمیت کار گروهی.	تقویت فرهنگ کار گروهی در آموزش و پرورش، اصلاح عملکرد نهادهای امنیتی و رفع موانع فعالیت‌های گروهی، اصلاح قانون احزاب و ایجاد تغییرات ساختاری در نظام سیاسی برای بهبود پایدار فعالیت حزبی و تشکیلاتی.

<p>اجرای قوانین موجود، ایجاد ساتترالیسم دموکراتیک (از پایین به بالا)، استقلال و نظارت‌پذیری تشکل‌ها (بر اساس اسناد فرادستی و داخلی)، تحول مانیفست (متناسب با شرایط و انتظارات جوانان)، نقش قانونی در تصمیم‌سازی، ایجاد بستر برای حضور در لایه‌های اجرایی تشکل‌ها، دوره‌ای بودن پست‌های سیاسی، پاسخگویی هسته مرکزی، فرایندهای دموکراتیک در انتخاب و نظارت، شفاف‌سازی فعالیت‌ها، حاکمیت قاعده بر ساختار حزبی، گردش نخبگان، برنامه‌ریزی برای جوانان، تمایز تشکلات از محافل (پرهیز از تشکل‌های فصلی)، سازوکارهای حل اختلاف، پرهیز از فردگرایی، حفظ استقلال فکری، تمرکز بر تولید محتوا، کادرسازی و پرهیز از شعارزدگی و منفعت‌طلبی بدون برنامه.</p>	<p>اخلاق تشکیلاتی و استقلال فکری، نخبگان و جوانان، پاسخگویی، اثرگذاری، اجرا و ساختار قانونی.</p>	<p>تقویت ساختارها و فرایندهای دموکراتیک درون‌سازمانی</p>
<p>صداقت در گفتار و عمل، پرهیز از دروغگویی، پذیرش نقد، ارتباط مستمر و صادقانه با مردم و همدلی با آنان، اولویت مصالح عمومی، توانمندسازی و مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها، پرهیز از تبعیض و پذیرش خواست مردم، شفافیت مالی و عملکردی، ساده‌زیستی مسئولان، ارتباط عادلانه و قانونمند با همه اقشار، پاسخگویی در فضای مجازی و پاسخگویی نمایندگان به مردم، تسهیل عضویت و مشارکت در احزاب، گفتگو و همکاری صادقانه، ایجاد روندهای شفاف حزبی و آموزشی، رعایت اصول اخلاقی، آموزش حقوق شهروندی، توجه به منافع بلندمدت و تربیت کنشگران.</p>	<p>ارزش‌های اخلاقی و بلندمدت، مشارکت و تسهیل عضویت، شفافیت و پاسخگویی، مصالح عمومی، ارتباط با مردم</p>	<p>بهبود عملکرد و رفتار احزاب و کنشگران</p>

<p>اجرای دقیق قوانین، کاهش نقش نظامیان در حوزه‌های مختلف، تمکین نهادهای حاکمیتی به قانون، محوریت فصل سوم قانون اساسی (حقوق ملت) و توجه ویژه به آزادی فعالیت احزاب و تشکل‌های سیاسی مندرج در قانون اساسی، تعدیل قوانین محدودکننده فعالیت احزاب و تضمین عدم تعقیب سیاسی کنشگران، تعریف دقیق جرم سیاسی و تعیین مرز مشخص بین فعالیت‌های سیاسی و امنیتی در قوانین و اصلاح قانون احزاب و کاهش فشارهای امنیتی بر احزاب و فعالین.</p>	<p>اصلاح قانون احزاب و کاهش فشار امنیتی، تعریف دقیق جرم سیاسی، تعدیل قوانین و عدم تعقیب سیاسی، محوریت حقوق ملت در قانون اساسی، حاکمیت قانون.</p>	<p>اجرای دقیق قانون اساسی و قوانین موجود و اصلاح قوانین محدودکننده</p>
<p>ایجاد رقابت معنادار بین کاندیداها و تنوع در رسانه‌های عمومی (به ویژه رادیو و تلویزیون)، باز شدن فضای سیاسی، کاهش حداکثری نظارت‌های استصوابی و تضمین مشارکت همه سلیقه‌ها در انتخابات و رفع نگرانی از غربال‌های ایدئولوژیک به منظور افزایش مشارکت و نشاط اجتماعی.</p>	<p>رقابت معنادار و تنوع رسانه‌ای، کاهش نظارت‌های استصوابی</p>	<p>رقابت معنادار</p>

با بررسی مقوله‌های اصلی «تقویت ارتباط و تعامل با بدنه اجتماعی و افکار عمومی»، «تقویت نظارت‌پذیری و پاسخگویی»، «عوامل کلان و ساختاری»، «تقویت ساختارها و فرایندهای دموکراتیک درون‌سازمانی»، «بهبود عملکرد و رفتار احزاب و کنشگران»، «اجرای دقیق قانون اساسی و قوانین موجود و اصلاح قوانین محدودکننده» و «ایجاد فضای باز سیاسی و رقابت معنادار»، می‌توان نتیجه گرفت که برون‌رفت از مشکلات حزبی-مدنی از دیدگاه کنشگران و فعالان این حوزه، نیازمند رویکردی جامع و چندبعدی است. این رویکرد شامل تقویت ارتباط و تعامل دوسویه با جامعه و پاسخگویی شفاف به افکار عمومی، اصلاح عوامل کلان و ساختاری محدودکننده فعالیت‌های حزبی و مدنی، تقویت دموکراسی و شفافیت درونی احزاب و سازمان‌ها، بهبود عملکرد و رفتار کنشگران بر اساس اصول اخلاقی و حرفه‌ای، اجرای دقیق قوانین موجود و اصلاح قوانین محدودکننده و در نهایت، ایجاد فضای باز سیاسی و رقابت آزاد و منصفانه بین دیدگاه‌ها و جریان‌های مختلف است. این مجموعه اقدامات، در تعامل با یکدیگر، می‌تواند به ایجاد جامعه‌ای مدنی پویا، احزاب قدرتمند و پاسخگو و در نهایت، بهبود حکمرانی و توسعه سیاسی و اجتماعی منجر شود.

نتیجه‌گیری

با تلفیق و تحلیل جامع مطالب ارائه‌شده از دیدگاه‌های مختلف (اساتید دانشگاه، پژوهشگران و کنشگران حزبی و مدنی)، می‌توان به یک نتیجه‌گیری منسجم و چندوجهی در خصوص مشکلات کنشگری حزبی و مدنی در ایران و راهکارهای برون‌رفت از آن‌ها دست‌یافت. این تحلیل نشان می‌دهد که مشکلات این حوزه در سطوح مختلف ساختاری، قانونی، درون‌سازمانی، رفتاری، ارتباطی با جامعه و رابطه با حاکمیت ریشه‌دارند و نیازمند اصلاحات هماهنگ در تمامی این سطوح است. مشکلات اصلی در چند محور خلاصه می‌شوند:

- موانع قانونی و ساختاری: تفسیر جانبدارانه و ابهام قوانین، فقدان قانون جامع احزاب، محدودیت‌های ساختاری، نگاه امنیتی به کنشگری، عدم به رسمیت شناختن نقش قانونی احزاب در انتخابات و آزادی بیان، ناکارآمدی راهکارهای قانونی پیگیری مطالبات و عدم وجود بسترهای قانونی برای تجمعات مسالمت‌آمیز، محدودیت‌های اعمال شده توسط ساختارها و نهادهای حاکمیتی، مشکلات ناشی از قوانین مبهم و تفسیرپذیر و نظارت استصوابی.
- مشکلات درون‌سازمانی و رفتاری احزاب: عدم بلوغ حزبی، فقدان روحیه حزبی، عدم ارتباط با بدنه جامعه، قائم به شخص بودن احزاب، منفعت‌محوری، عدم شفافیت مالی، بی‌انصافی سیاسی، عدم تجربیات دموکراتیک درون‌سازمانی، محفلی و شخص بنیاد بودن، فاصله گرفتن از اخلاق مدنی، قانون‌پذیری و انتقادپذیری، ناتوانی در ارائه راهکار برای حل مشکلات جامعه، عدم تداوم تشکل‌ها، رفتار متناقض، شعارزدگی، فقدان سازوکار پاسخگویی، عدم انسجام تشکیلاتی، مداخله‌پذیری از جانب حکومت و وابستگی به افراد یا منابع خارجی، ضعف در فرایندهای انتخابی، عدم پایبندی به قوانین داخلی، استفاده ابزاری از شعارها، محدودیت ارتباط رهبران با بدنه، گرایش‌های استبدادی در افراد، فقدان تجربه دموکراتیک مستمر، ساختار هرمی و نخبه‌سالار، عدم وجود برنامه‌های مدون و بلندمدت، عدم شفافیت در امور داخلی و ضعف فرهنگ کار جمعی.
- مشکلات مربوط به ارتباط با جامعه و سایر نهادها: فاصله گرفتن از مردم پس از انتخابات، گسست ارتباط با بدنه اجتماعی، عدم توجه به بازخوردها، عدم ورود تشکیلاتی احزاب و حل مشکلات مردم، عدم همراهی با اعتراضات، عدم اعتماد به احزاب و نهادهای مدنی واسط، بی‌اعتمادی جامعه به سازوکار اصلاح و تغییر، بی‌اعتبار شدن نخبگان، عدم شبکه‌سازی و عضوگیری سراسری، دشواری تأمین منابع مالی، بی‌اعتمادی جامعه به کار حزبی، عدم وجود جاهای مشخص برای اعتراض، محدودیت‌های نهادهای امنیتی در صورت استقبال زیاد مردم، وابستگی مالی و سیاسی تشکل‌ها به افراد و نهادهای خاص، قطبی شدن فضا و عدم تحمل فعالیت‌های مستقل و انتقادی توسط حکومت و عدم وجود نظام حزبی واقعی و ایجاد نهادهای موازی توسط حکومت.
- مشکلات مربوط به رابطه با حاکمیت: عدم تلاش برای گفتگو با حکومت و ایجاد نقاط مشترک، عدم تعامل نهادینه با نهادهای سیاسی و حاکمیت، محافظه‌کاری احزاب و ترس از تنبیه حکومتی، بسته شدن مسیر انتخابات به عنوان سازوکاری برای تغییر، حذف نهادها و سازمان‌های مدنی مستقل توسط حاکمیت و عدم توجه حاکمیت به درخواست‌های مدنی و کاهش حضور با نگاه سیاست‌گذاری نظامیان و شبه‌نظامیان در حوزه‌های مختلف، عدم اجرای صحیح قوانین موجود، منوط بودن گرفتن مجوز به تأیید صلاحیت افراد از جانب نهادهای امنیتی.
- اصلاحات قانونی و ساختاری: تصویب قانون جامع احزاب، رفع ابهامات قانونی، تضمین استقلال

نهادهای مدنی، ایجاد بسترهای قانونی برای تجمعات مسالمت‌آمیز، اصلاح قانون اساسی و قوانین محدودکننده، اجرای دقیق قوانین موجود، کاهش دخالت نهادهای امنیتی در امور احزاب، تقویت استقلال نهادهای نظارتی و قضایی، بازنگری در ساختار حکومت و تسهیل گردش قدرت.

- تقویت دموکراسی درون‌سازمانی و بهبود رفتار احزاب: ایجاد سازوکارهای شفاف برای انتخابات داخلی، تقویت پاسخگویی رهبران، گردش نخبگان، آموزش اعضا، تقویت فرهنگ کار جمعی، پرهیز از رفتارهای فردگرایانه و اقتدارگرایانه، شفافیت مالی، توجه به اخلاق مدنی، قانون‌پذیری و انتقادپذیری، ارائه راهکارهای عملی برای حل مشکلات جامعه، ارتباط مؤثر با بدنه جامعه، پرهیز از شعارزدگی، ایجاد انسجام تشکیلاتی و تعامل با سایر نهادها و افراد زیرمجموعه، استقلال از منابع دولتی و خارجی، ایجاد برنامه‌های مدون و بلندمدت و تمرکز بر تولید محتوای مؤثر و کادرسازی.
- تقویت ارتباط با جامعه و سایر نهادها: ایجاد دفاتر ارتباط مردمی، توجه به نظرات و نقدهای مردم، استفاده از فضای مجازی برای ارتباط و نظرسنجی، بهره‌گیری از ظرفیت نخبگان و متخصصان، ایجاد ارتباط مؤثر بین رهبران و بدنه تشکیلات و مردم، ایجاد فضاهای غیررسمی برای تعامل با جامعه، حضور فعال در فضای مجازی و بیان دیدگاه‌ها و پیگیری مطالبات مردم، توجه ویژه به ارتباط با اقشار محروم، ایجاد انگیزه برای عضویت و مشارکت در تشکل‌ها و نقد عمومی عملکرد تشکل‌ها و ایجاد گفتمان در مورد اهمیت فعالیت تشکیلاتی، تلاش برای جلب اعتماد عمومی، شبکه‌سازی و عضوگیری سراسری و برقراری ارتباط با هم‌تایان داخلی و خارجی، ایجاد سازوکارهایی برای مشارکت مؤثر تشکل‌ها در فرایندهای تصمیم‌گیری و تسهیل کردن شرایط حضور افراد در احزاب.

- بهبود رابطه با حاکمیت: تلاش برای گفتگو و تعامل سازنده با حکومت، ارائه راهکارهای عملی برای حل مشکلات جامعه، پرهیز از رفتارهای رادیکال و خشونت‌آمیز، تلاش برای ایجاد نقاط مشترک با حاکمیت، تعامل نهادینه با نهادهای سیاسی و حاکمیت، پرهیز از محافظه‌کاری و ترس از تنبیه حکومتی، تلاش برای باز شدن مسیر انتخابات به‌عنوان سازوکاری برای تغییر و تلاش برای جلب توجه حاکمیت به درخواست‌های مدنی.

- ایجاد فضای باز سیاسی و رقابت معنادار: رقابت معنادار با برنامه‌های مختلف بین‌کاندیدها، خارج کردن رسانه‌ها از حالت یکدستی، باز شدن فضای سیاسی و معنادار شدن انتخابات و کاهش نظارت‌های استصوابی و اجازه شرکت همه سلیقه‌ها در انتخابات و ایجاد فضای بازتر در جامعه.

در نهایت باید گفت، برای تحقق آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی در عرصه بهبود وضعیت کنشگری حزبی و مدنی در ایران، نیازمند رویکردی جامع و همه‌جانبه هستیم که با تکیه بر اصول قانون اساسی و ارزش‌های دینی، به اصلاح ساختارها، قوانین، رفتارها، روابط و فرهنگ سیاسی جامعه همت گمارد. این مهم، مستلزم اراده‌ای راسخ از سوی حاکمیت در جهت تحقق مردم‌سالاری دینی و تلاش وحدت‌آفرین از سوی احزاب، نهادهای مدنی و آحاد ملت در راستای اعتلای ایران اسلامی است.

منابع

- احمدوند، ولی محمد، خراسانی، رضا (۱۳۹۶)، امکان‌سنجی تحزب در جمهوری اسلامی ایران. سیاست متعالیه، (۱۷)۵، ۱۳۷-۱۵۴.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۹۷)، علل ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- اینگلهارت، رونالد و ولزل، کریستین (۱۳۸۹)، نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی (ی. احمدی، مترجم). تهران: انتشارات کویر.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۰)، دولت و جامعه مدنی. تهران: نشر نی.
- جاسبی، عبدالله، و پریرزاد، رضا (۱۳۹۴)، آسیب‌شناسی نقش نخبگان حزبی در عدم استمرار حزب جمهوری اسلامی. پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۴(۱۵)، ۲۹-۵۲.
- جلایی پور، حمیدرضا (۱۴۰۱)، جامعه‌شناسی سیاسی ایران ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۷، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- چاندوک، نیرا (۱۳۷۷)، جامعه مدنی و دولت: کاوش‌هایی در نظریه سیاسی (ف. فاطمی و و. بزرگی، مترجمان). چاپ اول. تهران: نشر مرکز.
- دارا، جلیل، و صادقی، الهه (۱۴۰۰)، احزاب سیاسی در نظام انتخابات جمهوری اسلامی ایران آسیب‌ها و راهکارها. راهبرد، ۳۰(۹۹)، ۳۶۳-۳۹۱.
- زیباکلام، صادق (۱۳۹۵)، دموکراسی در ایران: چالش‌ها و چشم‌اندازها. تهران: نشر نی.
- زیباکلام، صادق، مقتدایی، مرتضی (۱۳۹۹)، احزاب سیاسی و نقش آنها در توسعه سیاسی ایران: مطالعه موردی انتخابات. فصلنامه علوم سیاسی، ۱۰(۲۹).
- سردارنیا، خلیل اله (۱۳۹۳) تحلیل جامعه‌شناختی نهادینه نشدن و ناکامی تحزب در ایران از انقلاب مشروطه تا به امروز، پژوهش‌های تاریخی، دوره ۶، شماره ۴
- سردارنیا، خلیل اله (۱۴۰۱)، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی جدید. تهران: نشر میزان.
- شیخ‌زاده جوشانی، صدیقه و یحیی کمالی و لشگری، زهرا. (۱۴۰۱)، فراتحلیل موانع توسعه حزبی در ایران بین سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۶۸، دانش سیاسی، سال نوزدهم، شماره اول، صص ۱۷۰-۱۴۹.
- فیرحی، داود (۱۴۰۲)، فقه و حکمرانی حزبی (چاپ سوم). تهران: نشر نی.
- قبادی، خسرو (۱۳۹۹)، عوامل و موانع مؤثر بر نقش‌آفرینی نهادهای مدنی در کارآمدی دولت جمهوری اسلامی ایران، پژوهش سیاست نظری، بهار و تابستان، شماره ۱۴(۲۷).
- معتمدنژاد، کاظم (۱۳۸۰)، جامعه مدنی در ایران. تهران: نشر نی.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۹۷)، احزاب سیاسی و گروه‌های ذی‌نفوذ (چاپ چهارم). تهران: قومس.
- هاتینگتون، ساموئل (۱۳۷۵)، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی (م. ثلاثی، مترجم). چاپ دوم. تهران: نشر علم.

References

- Bashiriyeh, H. (2001), State and civil society. Ney Publishing. (In Persian)
- Chandhoke, N(1998) .), Civil society and the state: Explorations in political theory (F. Fatemi & V. Bozorgi, Trans.), 1st ed. Tehran: Nashr-e Markaz .(In Persian)
- Dara, J., & Sadeghi, E. (2021), Political parties in the electoral system of the Islamic Republic of Iran: Pathologies and solutions. *Rahbord*, (99), 30.363-391. (In Persian)
- Feirahi, D. (2023), *Fiqh and Party Governance*. Ney Publishing. (In Persian)
- Ghobadi, Kh. (2020), Factors and obstacles affecting the role of civil institutions in the efficiency of the government of the Islamic Republic of Iran. *Theoretical Politics Research*, 14(27). (In Persian)
- Giddens, A. (1984), *The constitution of society*. Polity Press
- Huntington, S. (1996), *Political Order in Changing Societies* (M. Salasi, Trans.). Elm Publishing. (In Persian)
- Inglehart, R & ., Welzel, C(2010) .), *Modernization, cultural change, and democracy* (Y. Ahmadi, Trans.). Tehran: Kavir Publications. (In Persian)
- Jalaeipour, H. (2022), *Political sociology of Iran: Forty years of nation and state efforts 1979-2019*. University of Tehran Press. (In Persian)
- Jasbi, A., & Pirizad, R. (2015), Pathology of the role of party elites in the non-continuation of the Islamic Republic Party using Samuel Huntington's theoretical model on institutionalization and its criteria. *Islamic Revolution Research*, (15), (In Persian)
- Kazemi, B. (2018), Causes of inefficiency of political parties in Iran. *Center for Islamic Revolution Documents*. (In Persian)
- Khorasani, R., & Ahmadvand, V. M. (2017), Feasibility study of partisanship in the Islamic Republic of Iran. *Transcendent Politics*, 5(17), 137-154. (In Persian)
- Motamednejad, K(2001) .), *Civil society in Iran* .Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Naghibzadeh, A. (2011), *Political parties and influential groups*. Mizan Publications. (In Persian)
- Sardarnia, K. (2015), Sociological analysis of non-institutionalization and failure of partisanship in Iran from the Constitutional Revolution to the present. *Historical Research*.6(4) , (In Persian)
- Sardarnia, K(2022) .), *An introduction to new political sociology* .Tehran: Mizan Publishing. (In Persian)
- Sheikhzadeh Joushani, S., Kamali, Y., & Lashkari, Z. (2022), Meta-analysis of obstacles to party development in Iran between 1989-2019. *Political Knowledge*, 19(1), 149-170. (In Persian)
- Zibakalam, S(2016) .), *Democracy in Iran: Challenges and perspectives* .Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Zibakalam, S., & Moghtadaei, M. (2020), Political parties and their role in Iran's political development: A case study of elections. *Political Science Quarterly*,10(29). (In Persian)